

## با عین الدین مریوانی - خواننده نابینای کرد خواب‌های خال از تصویر

مختار شکری پور

خواننده و گاهی هم به عنوان نوازنده حضور داشته است. از او درباره چگونگی ورودش به عالم آواز و موسیقی می‌پرسم. به سال‌های دور می‌رود. زمانی که صدای سازهای موسیقی و آواز دسته جمعی کودکانی که در مدرسه کنار منزلشان می‌خواندند؛ او را به مدرسه کشانیده است. می‌گوید: «در آن زمان حس می‌کردم توانایی کار هنری و موسیقایی را دارم. با اینکه محصل مدرسه مذکور نبودم ولی معلمان مدرسه مرا به جمع محصلان راه دادند و به عنوان خواننده برای گروه آن‌ها می‌خواندم. بعدها در دوازده سالگی خانم معلمی از همان مدرسه مرا به رادیو سنندج معرفی کرد. در آن زمان بود که به طوری جدی وارد عرصه موسیقی شدم و به طور رسمی فعالیت موسیقایی‌ام را در عرصه خوانندگی و نوازندگی در سال ۱۳۵۰ در رادیو سنندج آغاز کردم.

وقتی که استاد حسن زیرک - خواننده معروف کرد - در پنجم تیرماه سال ۱۳۵۱ فوت کرد، مرثیه‌ای در سوگ او سرودم و آن را هم اجرا کردم. در رادیو سنندج هم ضبط و اجرا شد. در سال‌روز مرگ «حسن زیرک» از من دعوت کردند که همان سروده را بر سر مزارش بخوانم. این دعوت را با کمال میل

«در خواب‌هایم - مانند دنیای بیداری‌ام - هیچ تصویری نیست؛ فقط صداها را می‌شنوم.» این را «عین‌الدین الماسی» خواننده و نوازنده نابینای کرد که در میان مردم کرد به «عین‌الدین مریوانی» مشهور است، می‌گوید. عین‌الدین در سال ۱۳۳۹ در روستای «دزلی» مریوان در خانواده‌ای بی‌بضاعت به دنیا آمد. در ده ماهگی چشمانش را به خاطر ابتلا به بیماری از دست داد و بدین‌گونه بود که زندگی سراسر تاریک و سیاهی را در دنیایی خالی از نور و تصویر و رنگ اما سرشار از آواز و نغمه آغاز کرد. زیستن در این دنیا هیچ‌گاه عین‌الدین را از زندگی مأیوس نکرد بلکه باعث شد که نابینایی‌اش را با تکیه بر استعدادی که در آواز و نوازندگی داشت جبران کند. عین‌الدین از سال ۱۳۵۰ تا کنون مشغول فعالیت در عرصه موسیقی است. گاهی هم شعر می‌گوید. آهنگ‌های زیادی هم ساخته است. عین‌الدین سازهای دف، دایره، نی، بالابان، شمشال و فلوت را به خوبی می‌نوازد. در ضمن طبل و تنبک هم می‌زند.

او تا کنون در محضر اساتید بزرگ موسیقی کردی از جمله «استاد حسن کامکار» شاگردی کرده و با گروه‌های متعددی هم به طور پراکنده و مقطعی همکاری کرده است. گاهی آواز

پذیرفتم و آن شعر و آهنگ را بر سر مزار وی اجرا کردم. هنرمندانی که حاضر بودند بسیار استقبال کردند. بعدها این اجرا به صورت فیلم و کاست منتشر شد و در شناساندن من به جامعه هنری آن سال‌ها و مردم کرد بسیار مؤثر واقع شد.»

عین‌الدین در ادامه به حضورش در ارکستر رادیو سنندج در کنار اساتیدی همچون: استاد حسن کامکار، گریشا میخائیل زاده و رشید فیض‌نژاد اشاره می‌کند و می‌گوید: «در حضور استاد حسن کامکار بهره‌های زیادی برده‌ام و بارها در کنار ویلون‌نوازی ایشان، «بالابان» نواختم. استاد حسن کامکار، ارتشی بود و به همین خاطر مدیر گروه موزیک لشکر ۲۸ کردستان هم بود. بعدها که بازنشست شد و رئیس اداره فرهنگ و هنر استان کردستان شد و یک گروه موسیقی به راه انداخت. در این زمان بود که من هم در رکاب استاد حسن کامکار به شهرستان‌های استان کردستان می‌رفتم و به اجرای برنامه در پادگان‌ها، مدارس و سایر مراکز دولتی می‌پرداختیم. به شهرهای کردنشین سایر استان‌ها و حتی شهرهای آذری‌نشین از جمله «خوی» هم می‌رفتم. یک گروه رقص هم در کنار گروه نوازنده‌ها بود و من و خواننده‌های دیگر به نام «سید صالح پیرظهیری» هم آواز می‌خواندیم.»

عین‌الدین در سال‌های بعد از انقلاب به خواندن آهنگ‌هایی حماسی روی آورد ولی همواره به خواندن آهنگ‌های تغزلی نیز می‌پرداخت. با وجود این عین‌الدین سال‌های بعد از انقلاب را سال‌های انزوا و کنار رفتن هنرمندان پیش‌کسوت موسیقی به شمار می‌آورد و می‌گوید: «بعد از انقلاب نه تنها من، بلکه خیلی از هنرمندان اجازه فعالیت نیافتند و هر کدام به گونه‌ای محدود شدیم و این سکوت به نوعی تا سال‌های ۶۲ و ۶۳ ادامه یافت. البته در این سال‌ها موسیقی فولکلوریک و عامیانه‌ی کردی همچنان در میان توده‌ی مردم رواج داشت.»

عین‌الدین سال‌های اخیر را سال‌های رشد و احیا شدن دوباره موسیقی اصیل و سنتی کردی عنوان می‌کند و می‌گوید: «در این چند ساله اخیر موسیقی کردی پیشرفت و توسعه‌ی زیادی در سطح کشور کرده است و همان‌طور که مستحضرید بسیاری از هنرمندان موسیقی سنتی، هنرمندان کرد هستند. هنرمندانی چون: شهرام ناظری، صدیق تعریف، حسین یوسف‌زمانی، کامکارها، پورناظری‌ها و عندلیبی‌ها. در واقع می‌توان گفت که موسیقی اصیل و سنتی ایرانی تا حد زیادی تحت الشعاع موسیقی کردی قرار گرفته و بسیاری از خوانندگان فارسی‌زبان از آهنگ‌ها و ملودی‌های کردی اقتباس و گاهی تقلید کرده‌اند.»

نقطه عطف کاری عین‌الدین پرداخت جدی و بسیار دقیق و ظریف به مقوله‌های خوانندگی، نوازندگی و آهنگسازی است که در کمتر هنرمندی می‌توان جمع شدن این هنرها را به صورت یک جا و یک دست یافت. یعنی عین‌الدین در خیلی

از کارهایش هم شاعر است، هم آهنگساز، هم نوازنده و هم خواننده.

وقتی هم که با گروه‌های موسیقی کار می‌کند؛ علاوه بر خوانندگی به نوازندگی یک ساز هم می‌پردازد. او تا کنون برنامه‌های زیادی در شبکه‌های ماهواره‌ای کردی اجرا کرده و در بسیاری از جشنواره‌های موسیقی کردی حضور یافته است. صدای عین‌الدین را می‌توان صدای رسای دردها، رنج‌ها، عشق‌ها و هجران‌ها و فراق‌های حزن‌انگیز مردم کرد عنوان کرد. آوازهای او که با لحنی نرم و مطمئن و برخوردار از ریتمی زیبا و قوی ارائه می‌شوند مخاطبان صاحب‌ذوق را به وجد می‌آورد. مضامین آثار او اکثراً عاشقانه است. گاهی هم رنگی عرفانی به خود می‌گیرند و تلفیق عشق و عرفان یکی از ویژگی‌های مضمونی آثار موسیقایی این هنرمند است. البته نابینایی عین‌الدین از او هنرمندی کارزماتیک و تأثیرگذار ساخته است. یعنی وقتی این خصیصه در کنار صدای محزونش، که توانیتهای خاص دارد، قرار می‌گیرد؛ آوازهایش سرشار از درد و غم می‌شوند و بدین‌گونه شنونده سمپاتی خاصی به آثار او پیدا می‌کند.

این سمپاتی و اثرگذاری به حدی است که بسیاری از آهنگ‌های او بخشی از نوستالژی مردم کرد را شامل می‌شوند. زیر و بم‌هایی که در آواز عین‌الدین مشهود است به صدای او ویژگی خاصی بخشیده است. تعدادی از آهنگ‌هایی که عین‌الدین خوانده است آهنگ‌های فولکلوریک کردی اورامی و گاهی سورانی هستند. شاید به همین خاطر است که در بر دارنده‌ی حسی نوستالژیک هستند که در آن تاریخ پر فراز و نشیب، سراسر اندوه، هجران و پُر رمز و راز مردم کرد نهفته است.

خود «عین‌الدین» تا کنون بیش از ۱۵۰ آهنگ ساخته است. حجم زیاد این آهنگ‌ها حاصل فعالیت ۳۳ ساله او در عرصه موسیقی است. آهنگ‌هایی مثل: «وهره نازنین، زلیخام زرده و لیوآو از جمله این آهنگ‌ها هستند.

هنر موسیقی، هنری شنیداری است. عین‌الدین هم که فقط در دنیای صداها زندگی می‌کند. به همین خاطر این نابینایی ظرافت و عمق خاصی به آثارش بخشیده است. خودش در این باره می‌گوید: «وقتی که دارم با یک گروه موسیقی کار می‌کنم؛ فقط متوجه صدای سازها هستم. به همین خاطر تمرکز خاصی روی کارم دارم ولی کسی که فضای عینی را هم می‌بیند تا حدی متوجه اطرافش می‌شود و به همین خاطر آن تمرکزی که من دارم؛ او ندارد.»

البته عین‌الدین به خاطر نابینایی‌اش، ردیف‌ها و دستگاه‌های موسیقی را نیاموخته است. او موسیقی و آوازش را به صورتی بداهه‌پردازانه و با تکیه بر ریتم‌های موسیقایی ارائه می‌دهد.



این کمبود هم، هیچ خدشه‌ای بر هنر این هنرمند وارد نکرده است زیرا موسیقی کردی بیشتر یک موسیقی مقامی است تا ردیفی و دستگاهی. بسیاری از کارشناسان موسیقی هم بر این عقیده‌اند که موسیقی سنتی و اصیل ایرانی هم مقامی بوده است. در واقع در زمان صفویان ردیف و دستگاه وارد موسیقی ایرانی شده است. شاید بتوان گفت، موسیقی کردی از این لحاظ بکریت و اصالت خود را حفظ کرده و چندان در چهارچوب ردیف و دستگاه‌ها قرار نگرفته است. به همین خاطر عدم پرداخت به ردیف و دستگاه در موسیقی کردی چندان ضربه‌ای به کار نمی‌زند. در واقع می‌توان گفت هیچ ضربه‌ای نمی‌زند. البته موسیقی کردی، اساتید صاحب‌نامی دارد که از اساتید مسلم موسیقی ردیفی و دستگاهی هستند. از جمله این اساتید می‌توان به: استاد سید علی اصغر کردستانی و استاد مظهر خالقی اشاره کرد. دیگر بماند اساتیدی که همه ما می‌شناسیم و در عرصه موسیقی سنتی ایرانی آثار برجسته‌ای ارائه داده‌اند. همان کسانی که پیش از این به آن‌ها اشاره شد و خیلی‌های دیگر که لازم نیست در اینجا نام آنان ذکر شود.

دنیای نابینایان، دنیایی خاص است. تنهایی ویژه‌ای در آن حکم فرماست. از این رو این دنیا، بستری مناسب برای اندیشیدن و تفکر فرد نابینا به صورتی عمیق در هستی فراهم می‌کند. به خصوص اگر هنرمند هم باشی و با پدیده‌ای که کشف و شهودهای شاعرانه و هنرمندانه‌ای در آن اتفاق می‌افتد سر و کار داشته باشی، در این صورت است که این دنیا، خاص تر شده و ابعاد گسترده‌تری پیدا می‌کند. وقتی با عین‌الدین این قضیه را در میان می‌گذارم و می‌پرسم با توجه به تنهایی که برای شما حاصل شده؛ با هنر زیستن در این تنهایی، شما را به فضاهایی که مکاشفه‌هایی در آن اتفاق افتاده باشد کشانده است یا نه؟ می‌گوید: «من هیچ تصویری از زیبایی‌های عالم ندیده‌ام چون در ده ماهگی نابینا شده‌ام و ده ماهگی هم سنی نیست که آدم از آن چیزی به یادش بیاید. بنابراین به مانند آدم‌های بینا که زیبایی‌های عالم را می‌بینند و بعد از دست دادن آن زیبایی‌ها

دچار حسرت می‌شوند؛ دچار آن حسرت نمی‌شوم. چون چیزی ندیده‌ام که حسرت از دست رفتن آن را بخورم. البته در اینجا هم، من حسرتی دارم و آن این است که حتی در خواب‌هایم نیز تصویری نمی‌بینم. در خواب‌هایم فقط صدا هست.» با وجود این حسرت عین‌الدین به ایمانی خاص رسیده است. او مقوله ایمان را به نوعی به امید به زندگی با توکل بر نیرویی ماورایی - همانی که خداوند تعبیرش می‌کند - نسبت می‌دهد و می‌گوید: ... «این ایمان زمانی در من حاصل شد که با وجود نابینایی‌ام توانایی‌هایی در خود یافتم. در واقع می‌توانم بگویم نیرویی مرا به سمت کشف این توانایی‌ها سوق داد. معتقدم که اگر خداوند یکی از نعمت‌هایش را از کسی بگیرد؛ در جایی دیگر موهبتی دیگر به او می‌بخشد تا کمبود دیگرش جبران گردد. البته آدمی همواره غمی را با خود حمل می‌کند و در هر صورت تنهاست. همان طور که خیام می‌فرماید:

افلاک به جز غم نفزاید دگر  
 نهند به جای، تا نریابند دگر  
 نآمدگان اگر بدانند که ما  
 از دهر چه می‌کشیم، نآیند دگر...»

عین‌الدین وقتی که این شعر «خیام» را دکلمه می‌کند، شیفته صدای رسا و پُرطنین او می‌شوم. در این حال است که تصمیم می‌گیرم در برگشتن به تهران، پیشنهاد دکلمه کردن اشعار شاعران بزرگ کلاسیک و معاصر توسط او را به ناشران و تهیه‌کنندگان این گونه آثار بدهم. آنجا بود که پی به قابلیت‌های هنوز کشف‌نشده صدای این هنرمند بردم. صدای عین‌الدین در دکلمه، شباهت بسیار عجیبی به صدای



شاملو دارد و بی‌گمان اگر کسی از این صدا استفاده کند آثاری بی‌نظیر تحویل علاقه‌مندان هنر و ادبیات می‌دهد. جالب آنجاست که عین‌الدین از حافظه‌ای بسیار قوی هم برخوردار است و می‌گوید: «اگر کسی دو یا سه بار شعری را - چه فارسی و چه کردی - برابم بخواند، آن را از بر می‌کنم به طوری که



تمام زیر و بم‌ها و موسیقی و وزن آن شعر درست و کامل در این دکلمه رعایت می‌شود.»  
عین‌الدین در آهنگ‌هایش از اشعار شاعران کلاسیک کُرد همچون: هه‌زار، هیمن، مولوی هورامی، قانع، ولی دیوانه، گوران، پیره مرد، وفایی، فایق بی‌کس و صیدی اورامی استفاده کرده است اما علاقه ویژه‌ای به اشعار «مولوی هورامی» دارد. او

دلیل این علاقه ویژه را به نازک‌خیالی این شاعر نسبت می‌دهد و می‌گوید: «از آنجا که زبان مادری من کردی اورامی است، طبیعی است که به اشعار این شاعر معروف هورامی بیشتر از سایرین علاقه داشته باشم و به سمت اشعار او بروم. از طرفی دیگر شعرهای این شاعر نازک‌خیال، آدم را به سمت فضاهایی مملو از شادی و غم سوق می‌دهند. مولوی علاوه بر این، اهل عرفان و تصوف هم بوده و عارف بودن، به شعر او غنای خاصی از لحاظ تفکر و محتوا بخشیده است. او یکی از شاعرانی است که

مشایخ صوفیه اورامان و کردستان به او ارادت خاصی داشته‌اند. از جمله این عارفان می‌توان به شیخ علاءالدین نقشبندی اشاره کرد.»

عین‌الدین سابقه‌ای ۳۳ ساله در هنر موسیقی دارد و تعدادی از آهنگ‌هایش هم در آرشیو رادیو سنندج موجود است. با این وجود از لحاظ کاری و معیشتی وضعیت خوبی ندارد. مدتی مستمری ماهیانه‌ای (شصت هزار تومان) از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دریافت کرده است ولی این مستمری از مهرماه ۸۳ تا کنون قطع شده است. او در این خصوص انتقاد و اعتراض شدید اللحنی دارد و می‌گوید: «در زمان وزارت آقای مهاجرانی،

مستمری ماهیانه‌ای برای من تعیین شد و هر ماه این مستمری را دریافت می‌کردم تا اینکه در دو سال گذشته به علت اقامتی پنج ماهه که در کردستان عراق، جهت اجرای برنامه‌های هنری

در مراکز موسیقایی و شبکه‌های ماهواره‌ای کردی، داشتم؛ این مستمری قطع شد. تا کنون هم چندین بار پیگیر این قضیه در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شده‌ام اما در جوابم می‌گویند که شما هیچ پرونده‌ای در وزارت‌خانه ندارید و این در صورتی است که من چند سالی این مستمری را ماهیانه دریافت کرده‌ام و فیش‌هایم هم موجود است.»

عین‌الدین در ادامه به حمایتی که در کردستان عراق از او شده است اشاره می‌کند و می‌گوید: «دو سال پیش قرار بود که در کردستان عراق مقیم شوم ولی به علت مشکلات خانوادگی نتوانستم در آنجا اقامت کنم وگرنه امکانات رفاهی بسیاری در اختیار من و حتی خانواده‌ام قرار می‌دادند. حمایت‌های مالی زیادی هم از من می‌شد.»

عین‌الدین از رواج موسیقی بازاری که ریشه‌ای در فرهنگ و فولکلور مردم کرد ندارد انتقاد می‌کند و سپس به حضور هنرمندان درجه ۳ و ۴ کرد در جشنواره‌های موسیقی نواحی و عدم حضور هنرمندان پیش‌کسوت‌تر در این جشنواره‌ها اشاره می‌کند و می‌گوید: «این کار خیانت به هنر است و اگر مراکز موسیقایی دولتی و انجمن‌های مستقل موسیقی از پیش‌کسوتان حمایت نکنند؛ هنرمندان مجبور می‌شوند که جهت امرار معاش به ارائه کارهای سطحی دست بزنند.»

عین‌الدین در پایان خواستار رسیدگی به پرونده‌اش در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و احقاق حقوق از دست رفته‌اش شد. گفتنی است که این خواننده و نوازنده نابینا هم‌اکنون روزگارش را به سختی و در بی‌بضاعتی در «کافی دینار» می‌گذراند و شایسته است که مسئولان مربوطه به خواسته‌های هنرمندانی چون او، که منزوی و فراموش شده‌اند؛ توجهی بیشتر داشته باشند.